

ازدواج

«راز مقدس»



سطح مقدماتی

www.irancatholic.com

ازدواج

«راز مقدس»

فهرست

۳ مقدمه
۴ تعلیم خداوند پیرامون ازدواج
۵ مسائل جنسی از دیدگاه مسیحیت
۸ يك روح در دو بدن
۹ خط مشی زندگی
۱۰ پیوند استوار
۱۱ کانون گرم خانواده
۱۲ والدین مسئول
۱۴ تعلیم و تربیت خانواده
۱۶ ازدواج، رازی از رازهای هفتگانه
۱۹ دوران نامزدی
۲۱ ازدواج بین پیروان مذاهب مختلف
۲۲ شرایط لازم برای ازدواج بین دو نفر از مذاهب مختلف
۲۵ کشیشان و تجرد

مقدمه

همه ما می دانیم که عشق چیست، با وجود این محدود افرادی می توانند آن را توجیه کنند. مفاهیم عشق را می توان این گونه بیان کرد: آرزوی خوبی برای دیگران، خدمت کردن، مهربان بودن، تمایلات جنسی و نیز احساس رضایت و خوشبختی در معاشرت و غیره ... ازدواج بدون عشق ممکن است بی معنی و همراه با دلزدگی بیش از حد باشد.

با این تفصیل، می دانیم که حتی ازدواج با عشق هم ممکن است ناموفق باشد. شوهری که به نظر می رسد خانواده اش را دوست دارد، ممکن است در اثر تنبلی و کاهلی همسر و بچه هایش را به نکبت و بدبختی بکشد. یک همسر دوست داشتنی هم در اداره کردن منزل و آشپزی ممکن است به قدری ناموفق باشد که باعث نابودی سلامتی و خلق و خوی خانواده خود گردد. حتی چیزهای بسیار کوچک و حساس نیز می توانند به دوستی و محبت بین آنها آسیب برسانند. در ازدواج همبستگی و صمیمیت دو نفر به قدری مهم است که کوچکترین اشکال در این زمینه می تواند غیرقابل تحمل شود. اگر قرار است ازدواجی خوشبختی و رضایت را که همه در آرزویش هستند به دنبال داشته باشد، تحمل و فروتنی و عشق شدید تضمین کننده چنین ازدواجی خواهد بود.

زندگی خود را برای همیشه وقف کسی کردن نشانه ایمان قوی آن کس نسبت به شخص مورد نظر است. این عمل درست مانند جهشی در تاریکی است، زیرا شناخت واقعی شخص کاری بس دشوار است. اغلب سالها طول

می کشد که زوجی بتوانند در همه زمینه ها کاملاً با یکدیگر به توافق برسند. با این همه هر هفته در اقصی نقاط عالم شاهدیم که میلیونها نفر آماده اند تا این جهش در تاریکی را انجام دهند و البته باید گفت که اینان حق دارند. آنها بعد از جستجوی بسیار شخص مورد علاقه خود را پیدا کرده و همانند خود دوستش دارند و می توانند کمک و خدمتش کنند. عشق عامل مهمی است که قادر است اکثر بحرانها را التیام بخشد، لیکن نه همه آنها را. لازمه موفقیت در ازدواج، علاوه بر محبت طرفین بردباری و از خود گذشتگی است. از این گذشته ضعفهای هر یک از طرفین نباید تفاهم را از بین ببرد.

تعلیم خداوند پیرامون ازدواج

عیسی مسیح در گفتارهای خود به مفهوم اصلی ازدواج این گونه اشاره می کند: عیسی در جواب از آنها پرسید: «آیا تا به حال نخوانده اید که پروردگار از ابتدا انسان را زن و مرد آفرید؟ به این سبب است که مرد، پدر و مادر خود را ترک می کند و به زن خود می پیوندد و آن دو یکی می شوند. از این رو آنها دیگر دو تن نیستند، بلکه یکی هستند، پس آنچه را که خدا به هم پیوسته است انسان نباید جدا سازد» (مت ۱۹: ۴-۶).

در اینجا تعلیم خداوند درباره ازدواج به طور خلاصه توجیه شده. آنچه که عیسی مسیح راجع به ازدواج به ما ارائه می دهد صرفاً یک نهاد و یا سنت انسانی نیست، بلکه از طرف خدا نیز توصیه می شود و در آن الهام الهی نیز موجود است. خداوند در آغاز زن و مرد را آفرید و اوست که آنها را بوسیله

ازدواج به هم پیوست. خداوند تمام عالم خلقت، یعنی هر آنچه را آفریده است، دوست دارد. خداوند بشر را مذکر و مؤنث آفرید و منظورش از این آفرینش این است که ما برای شادی و خوشنودی خود از آن استفاده کنیم.

مسائل جنسی از دیدگاه مسیحیت

حقیر شمردن بدن و محکوم کردن انواع لذات جسمی یک نوع مسیحیت کاذب است. مسیح فرزند خدا درعین برخورداری از طبیعت الهی، بدن انسانی به خود گرفت و کاملاً یک انسان شد. او در رحم زنی تن گرفت و به صورت طبیعی زاده شد. او والایی مقام بدن انسان را به ما ثابت کرد و اگر ما بدنی را که خداوند به ما داده کم ارزش پنداریم و به آن احترام نگذاریم در اشتباه مطلق به سر می بریم.

در سفر پیدایش (اولین قسمت کتاب مقدس) بر بزرگی و مقام انسان تأکید شده است. در اولین باب این کتاب مؤلف سعی کرده به سبکی نمادین و گویا نقشه های خداوند را برای بشر بازگو کند.

خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق، شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشرات که بر زمین می خزند حکومت نماید. پس خدا آدم را به صورت خود آفرید او را به صورت خدا آفرید، ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید ... و خدا هرچه ساخته بوددید و همانا بسیار نیکو بود (پید ۱: ۲۶-۲۸ و ۳۱).



شماره ازدواج این دو نفر حضرت مریم است، پس درمی یابیم که ازدواج چه امر مهم و مقدسی است که حضرت مریم را به جهانیان عرضه داشت.

يك روح در دو بدن

در زندگی، هر کس نیازمند است که دوست داشته باشد و دوستش بدارند. محبت تمام وجود شخص را فرا می‌گیرد و از فکر و روح لبریز می‌شود و به وسیلهٔ جسم تجربه می‌گردد. ازدواجی که با عشق و محبت صورت پذیرد، در زندگی با امید و آرزوی یکی شدن در افکار و جسم همراه می‌باشد. اگر فکر کنیم که فرق بین مرد و زن صرفاً از نظر جسمی مطرح است، مرتکب اشتباه بزرگی شده‌ایم، زیرا مهمترین عوامل اختلاف، شیوه‌های مختلف زندگی، رفتار و کردار، تصمیم‌گیری، و جهان بینی است. همین اختلافها منشأ زندگی مسالمت آمیز بین زن و شوهر می‌باشند و باعث می‌گردند که این دو همیشه برای یکدیگر تازگی داشته باشند و از مصاحبت با هم لذت ببرند. تفاوت بین زن و مرد در هر ذره‌ای از وجود و شخصیت اشان نمایان می‌گردد. نادیده گرفتن این حقیقت مهم باعث بروز ناراحتی‌های زیادی می‌شود، به عنوان مثال: موهبت خدادادی خود را ملاک سنجش قرار دادن، خود عامل مهم اختلاف است، به هر حال راز جاذبه و لذت بردن از یکدیگر به تماس جسمی منجر می‌گردد.

شاید زیباترین قسمت نقشه خداوند این باشد که: از داشتن روابط جنسی می‌باید هدف دیگری داشته باشیم. عشق انسانی، آفریننده است و عشقی که روابط جنسی بین زن و شوهر را به وجود می‌آورد، راهی است که خداوند برای بقای خانواده و خلقت انتخاب کرده است. زندگی جدید انسان باید در محبت تشکیل شود. زن و شوهری که با هم زندگی مشترکی را شروع کرده‌اند و با روابط جنسی در زندگی یکدیگر شریک شده‌اند، به خدا امکان عرضهٔ

این چنین بیانی به انسان شکوه و جلال می‌بخشد، زیرا آفریده شدن توسط خداوند و حاکم گشتن بر عالم خلقت و به شمایل خداوند بودن و نیز به صورت دو جنس متفاوت آفریده شدن، برای افتخار کردن به وجود خود کم نیستند و انسان با این همه نعمت می‌تواند واقعاً به خود بی‌بالد.

در جای دیگری از این کتاب می‌خوانیم: خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم (۲:۱۸).

و سپس در همین باب به کلماتی برخورد می‌کنیم که اولین مرد برای ابراز محبتش نسبت به زن بیان کرده است:

همانا این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم از این

سبب نساء نامیده شود، زیرا که از انسان گرفته شد. از این سبب مرد پدر و

مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود

(۲۳:۲-۲۴).

با این کلمات داستان خلقت بشر به اوج خود می‌رسد. این کلمات برابری مقام مردان و زنان را ثابت می‌کند. زمانی که این نوشته‌ها به رشته تحریر درآمد اکثر مردم خداشناس بودند و زنان را پست و حقیر می‌شمردند، لیکن کتاب مقدس تأیید می‌کند که خداوند انسانیت و شخصیت را به هر دو جنس اختصاص داده و همبستگی شدید به یکدیگر را برای آن دو ضروری دانسته. این تعادل بسیار مهم و حساس است و در ازدواج آنها به صورت «یک بدن» درمی‌آیند. بنابراین طبیعی است که آنها به طرف یکدیگر کشیده شوند و از اینکه با هم هستند خوشحال و شادمان باشند. در آغاز چنین بود و این است نقشه خداوند.

هدف از کلیه احکام خداوند و قوانین اجتماع تأمین خوشبختی بشریت است. زندگی بدون قانون دستخوش هرج و مرج و بی نظمی خواهد شد. خداوند به منظور تأمین زندگی کامل تر و خوشبختی بیشتر برای بشر احکام خود را به او داده است. خدا پدر پر محبت ماست و احکام او گویای عشق و محبتش نسبت به ما می باشد.

پیوند استوار

خداوند به ما نشان می دهد که در ازدواج محبت باید با اتحاد محکم که بین زن و شوهر تا لحظه مرگ برقرار می باشد، بیان شود. ازدواج باید در تمام طول زندگی دوام داشته باشد. بعضی مواقع مردم گله مندند و می گویند دیدگاه کلیسای کاتولیک نسبت به طلاق عاقلانه نیست. در حقیقت هدف این کلیسا حمایت از نقشه خداوند نسبت به ازدواج می باشد و در نتیجه سعادت و خوشبختی بشر را تضمین می کند.

هنگامی که در ازدواج، اختلاف جدی بروز می کند و تلاش و راهنمایی اطرافیان نیز به جایی نمی رسد، با مشکل عدم توافق روبه رو می شویم که ممکن است منجر به جدایی گردد. برای حفظ حقوق اشخاص بیگناه و کودکان حتی احتمال دارد نیاز به جدایی رسمی، از طرف قانون مدنی مملکت تشخیص داده شود. کلیسا نیز به شرط اینکه طرفین دریابند که نزد خداوند برای همیشه به صورت دو شخص متعهد باقی خواهند ماند با امر طلاق موافقت می کند. بنابراین تا زمانی که طرفین زنده هستند ازدواج دوم برای آنها امکان پذیر نیست و هیچ قدرتی روی زمین نمی تواند این عمل معتبر و

زندگی جدیدی را می دهند. در زندگی انسان اثری از وجود خداوند و پدر و مادر هست.

برداشت واقعی مسیحیت از ازدواج و رابطه جنسی در بردارنده تصمیمی قاطع جهت شناخت عمیق این رابطه می باشد. در ضمن تحسین خداوند را بخاطر شادی و شفعی که بوسیله ازدواج به آنها ارزانی شده است، به همراه دارد. و سرانجام باید بیان کننده اشتیاق آنان به سوی یکدیگر و میل وافر به خوشبخت ساختن طرف مقابل باشد. این خصوصیات باید در تمام مراحل زندگی زناشویی موجود باشد. ارتباط جنسی آخرین مظهر بیان کننده نوع بخشش بی دریغی است بین دو انسان که اگر تفکر به آن از این راه صورت گیرد، حاصل آن ازدیاد محبت مابین زن و شوهر می باشد.

خط مشی زندگی

ازدواج را می توان از دو جنبه بررسی کرد. اگر از دید شخصی به آن نگاه کنیم قادر است خوشبختی، امنیت و عشق را به ارمغان بیاورد و اگر آن را از دیدگاه بشریت بنگریم درمی یابیم که عامل بقای بشر است. ازدواج به قدری مهم است که خداوند، برای درک آن ما را هدایت کرده است. مسأله به این مهمی را نمی توان حاصل تسلیم سرنوشت بودن و سادگی انسان دانست. ما به خوبی آگاهیم که ازدواجهای موفق اساس یک اجتماع سالم برای آینده می باشند. بنابراین ازدواج هرگز نمی تواند صرفاً مسئله ای خصوصی باشد. به همین جهت دولتها ازدواج را به رسمیت شناختند و قوانین و مقرراتی برای آن وضع کردند که همه ما به آن احترام می گذاریم.

باشد نمی تواند به طور موقت ازدواج کند، چون در طبیعت ازدواج، عشق و ازخود گذشتگی بسیار عمیقی نهفته است، که فقط پیمان و دوستی همیشگی می تواند در آن حکفرما باشد.

اگر بر اثر پیوند زن و شوهر فرزندان هم به وجود آیند احتیاج به یک عشق کامل حتی از قبل نیز بیشتر می گردد. تمام صاحب نظران، در گذشته و حال، بر این عقیده اند که عشق و امنیت کلید موفقیت تربیت فرزندان است. این امنیت بر اساس دوستی و عشق دائمی والدین بنا شده است.

بدون شک ثابت شده که یکی از علل مهم بزهکاری جوانان، عدم کفایت و بی لیاقتی پدر و مادر آنهاست. بی کفایتی والدین همیشه سزاوار سرزنش نیست، چون بی لیاقتی ممکن است بر اثر کمبود انضباط صحیح و درست در خانه و یا کمبود علاقه و اشتیاق به فرزندان و، یا جدایی یا طلاق والدین به وجود آید. ما تا جایی که ممکن است صرف نظر از مقصر بودن یا نبودن والدین باید در صدد کاستن اینگونه حوادث باشیم.

والدین مسوؤل

علاقه به نگهداری و حفظ تمام محسنات روابط جنسی پایه و اساس تعلیمات کلیسا دربارهٔ جلوگیری از ازدیاد موالید است. کلیسای کاتولیک والدین را تشویق می کند که در این امر احساس مسوؤلیت کنند. این مسوؤلیت ممکن است شامل تنظیم خانواده یا محدود کردن تعداد افراد خانواده باشد. در گذشته ای نه چندان دور مرگ و میر بچه ها در خانواده به حدی زیاد بوده که جلوگیری از ازدیاد موالید مشکل واقعی خانواده نبوده

انجام شده، یعنی ازدواج یک مسیحی را تغییر دهد یا فسخ نماید. ما آگاهییم که تعلیمات کلیسا ممکن است فشار و سنگینی زیادی روی مردم وارد کند، لیکن از طرف دیگر این سختگیری کلیسا کمک بزرگی برای یک ازدواج پایدار است.

زوجی که پی برده اند ازدواج امری است که تا پایان زندگی ادامه خواهد یافت برای موفقیت در آن از هیچ کوشش و فداکاری دریغ نخواهند کرد. چنین زوجی می توانند خوشبختی و امنیت را برای زندگی خود و فرزندان شان به ارمغان آورند، حتی اگر این ازدواج آن ایده آلی که در انتظارش بودند، نباشد.

کلیسا این تعلیمات را از خود اختراع نکرده است، بلکه سرچشمهٔ این تعلیمات عیسی مسیح پسر خدا می باشد:

او به ایشان فرمود: «هر که زن خود را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند، نسبت به زن خود مرتکب زنا شده است. همینطور اگر زنی از شوهر خود جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند مرتکب زنا شده است (مر ۱۰:۱۱-۱۲).

کانون گرم خانواده

برای یک فرد مسیحی، تعلیم مسیح برای پی ریزی یک ازدواج پایدار و سعادت مند کافی است، حتی اگر یک نفر غیرمسیحی باشد درخواهد یافت که چنین تعلیماتی مطلوب و ایده آل هستند. ازدواج نیازمند یک عشق کامل و ازخود گذشتگی کامل است. و اگر کسی راجع به ازدواج صادق و بی ریا

است. کلیسا جلوگیری از ازدیاد موالید را از طریق مصنوعی محکوم می کند، زیرا در ازدواج این مسئله برخلاف ارزش واقعی آمیزش جنسی است. در ضمن کلیسا چنین روشهایی را راه حل موجود برای مشکلات تنظیم خانواده و یا حل مسئله بغرنج جمعیت جهان نمی داند.

کلیسا روشهای طبیعی تنظیم خانواده (یعنی روابط جنسی در مواقعی صورت گیرد که امکان باروری زن کمتر است) را قبول دارد، چون مستقیماً در اصل عمل آمیزش مداخله ندارد. این روش اگر به دقت دنبال شود معتبرتر از آن است که عموماً مردم درک کرده اند و در حقیقت با استفاده از این روش بین زوجها احترام و درک عمیق تری نسبت به یکدیگر به وجود می آید. عشق و محبت در ازدواج معیارهای بسیار والایی دارد. به کاتولیکها و یا آنهایی که با کاتولیکها ازدواج کرده اند و یا می خواهند ازدواج کنند توصیه می شود به خاطر بنیانگذاری چنین مرحله ایده آل زندگی، از کمکهای «انجمن کاتولیک جهت مشورت درباره ازدواج» استفاده نمایند.

تعلیم و تربیت خانواده

همه آگاهیم و می پذیریم که باید برای والدین خود احترام قائل شویم. به همین نسبت نیز والدین موظفند لایق این احترام باشند.

ما به محبت والدین نسبت به خود معترفیم، زیرا آنان ما را به دنیا آورده اند و از ما مواظبت و مراقبت کرده اند. به عنوان یک فرد عاقل و آگاه می توان درک کرد که چه فداکاریها و آزردهایی برای بزرگ کردن فرزندان وجود دارد. می دانیم که والدین چه مشقتهایی را به خاطر ما متحمل می شوند. بنابراین سعی می کنیم که از زندگی آنها سرمشقی برای خود داشته باشیم،

است. در چنین شرایطی مسلماً والدین با وقایعی که امروزه هر خانواده کم و بیش با آن مواجه است، روبه رو نبوده اند.

امروزه وضع و کیفیت تازه ای برقرار است. شرایط مدرن و جدید کار و مسکن و مشکلات اقتصادی و تعلیم و تربیت، تشکیل خانواده ای پرجمعیت را مشکل می سازد. این مشکل تنها مربوط به یک خانواده نیست، بلکه مشکلی جهانی است. پیشرفتهای عظیم بخصوص در علم پزشکی باعث ازدیاد جمعیت بشر گردیده است و بیم آن می رود که رشد سریع جمعیت جهان در آینده ای نزدیک باعث بروز مشکلات متعددی در زمینه استفاده از امکانات و منابع طبیعی جهان گردد.

بطور کلی تعلیمات کلیسا در مورد کنترل موالید عوض نشده و نخواهد شد. روابط جنسی از نظر الهی بیانی از عشق و محبت بین زن و شوهر است که ثمره طبیعی آن میوه ای است به نام فرزند. روابط جنسی تا آنجا که امکان دارد باید طبیعی باشد و چون سمبلی از بخشش محبت است پس باید دارای چنین بخششی باشد. هر چقدر این عمل از مسیر طبیعی خود خارج شود به همان اندازه از کیفیت بیان عشق آن نیز کاسته می شود.

با همه این تفصیلات بعد از خداوند تصمیم گیری در مورد تعداد افراد خانواده به عهده والدین گذاشته شده و هیچکس نمی تواند این مسؤولیت را از آنها بگیرد. موارد زیادی وجود دارد که والدین را مجبور به محدود کردن تعداد فرزندان خود می کند، از جمله: سلامتی، امکانات مادی و مسکن. به دنیا آوردن فرزندان فقط شروع مسؤولیت پدر یا مادر بودن است و مرحله بعدی که مهمتر نیز هست تعلیم و تربیت آنهاست. مشکل واقعی، تنظیم خانواده نیست، بلکه روند پیاده کردن این اصول

ارزشی است که کودک نزد خداوند دارد. بنابراین والدین آگاه، سختگیری بیش از حد و انعطاف پذیری زیاد را روا نمی‌دارند.

ازدواج، رازی از رازهای هفت‌گانه

حضرت پولس به نوگرایان مسیحی ارزش و مقام ازدواج را تعلیم می‌داد. او آموزش درباره ازدواج را با تعلیمات کلیسا درهم می‌آمیخت. او از این نظر درست همانند مؤلفین تورات عمل کرده است.

بخاطر احترامی که به مسیح دارید مطیع یکدیگر باشید. ای زن‌ها، طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می‌کنید، زیرا همان‌گونه که مسیح سر کلیسا یعنی بدن خود می‌باشد و شخصاً نجات دهنده آن است، شوهر نیز سر زوجه خود می‌باشد و همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز در هر مورد باید از شوهران خود اطاعت کنند. ای شوهران، همان‌طور که مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد شما نیز زنان خود را دوست بدارید. مسیح چنین کرد تا کلیسا را با آب و کلام خدا شسته و آن را پاک و مقدس گرداند و با تمام زیبائیش پاک و بدون عیب و لکه و چین و چروک یا هر نقص دیگری به خودش تقدیم نماید. مردان باید همان‌طور که بدن خود را دوست دارند همسر خود را دوست بدارند، زیرا مردی که زنش را دوست می‌دارد خود را دوست دارد. هیچ کس هرگز از بدن خود متنفر نبوده است، بلکه به آن غذا می‌دهد و از آن مواظبت می‌کند - یعنی همان کاری که مسیح برای کلیسا می‌کند - زیرا ما اعضای بدن او هستیم. به این جهت کلام خدا می‌فرماید: «مرد، پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زن خود می‌پیوندد و آن

یعنی از تجربه‌های مثبت آنها استفاده کرده و از اشتباهاتی که مرتکب می‌شوند درس عبرت بگیریم.

امروزه اکثر دولتها آگاهند که باید به والدین در تأمین تعلیم و تربیت، بهداشت و تغذیه کودکان کمک نمایند تا خانواده با درآمد متعادل بتواند زندگی فرزندان خود را اداره کند. اما برآورده کردن این نیاز به تنهایی کافی نیست، زیرا علاوه بر خواندن و نوشتن فرزندان احتیاجات دیگری نیز دارند، زیرا آنها نیز تمام احساسات و نگرانیهای بشری را داشته و شدیداً نیازمند عشق و علاقه والدین خود می‌باشد.

پدر و مادر مسیحی در ارج نهادن به سرنوشت فرزند خود می‌دانند که باید در تعلیم و تربیت او بیشتر بکوشند، زیرا فرزند آنها باید طوری رشد کند که بسان مسیح گردد تا بدین وسیله همیشه با خدا باشد. این وظیفه والدین است که راه به سوی خداوند را برای بچه‌ها بگشایند. والدین بالغ و پر محبت، فرزند خود را نه فقط به عنوان یک شهروند مفید برای اجتماع تربیت می‌کنند، بلکه مسؤول سرنوشت جاودانی آنان در برابر خداوند نیز هستند.

مؤثرترین وسیله تشویق فرزندان در زمینه تعلیم و تربیت همانا سرمشقی است که از زندگی خود برای آنها برجای می‌گذاریم، زیرا احترام متقابل والدین به یکدیگر و شادی و خوشحالی واقعی که در زندگی آنان وجود دارد دید سالمی از جهان به کودک می‌دهد. خانواده‌های مسیحی که صادقانه با هم خداوند را عبادت می‌کنند فرزندان خود را بطور طبیعی هدایت می‌کنند که دین را با ارزش بدانند. همچنین دعا و عبادت باید خانواده‌ها را وادار به احترام گذاشتن به شخصیت و مقام کودک نماید و این احترام ناشی از

دو، یکی خواهند شد. (افس ۵: ۲۱-۳۱)

پولس می گوید: یک زن باید به شوهر خود احترام بگذارد و در

عوض یک شوهر نیز باید خودش را وقف همسرش کند.

حضرت پولس اتحاد بین زن و شوهر را با اتحادی که بین مسیح و کلیسا وجود دارد، مقایسه می کند. همان طور که مسیح به خاطر کلیسای خود فدا شد و در حال حاضر ارتباط و اتحادی ناگسستنی با آن دارد و منبع اصلی نعمت و قدوسیت کلیساست، زن و شوهر نیز با محبت و اتحادی که نسبت به یکدیگر دارند مسیح را در زندگی خود حاضر می سازند و این حضور مسیح است که نعمت و قدوسیت ازدواج را تضمین می کند.

اگر بخواهیم راه و روش عیسی مسیح را در زندگی دنبال کنیم باید دوست داشتن دیگران را یاد بگیریم. مسیح بارها و بارها گفته است که نقطه مشخصه یک فرد مسیحی عشق او به سایر هموعانش می باشد:

«اگر نسبت به یکدیگر محبت داشته باشید، همه خواهند فهمید که

شاگردان من هستید» (یوحنا ۱۳: ۳۵).

به وسیله عیسی مسیح، محبت به هممنوع ارزش و اهمیت خاص و جدیدتری می یابد.

او به ما می گوید: «یقین بدانید که هرگاه کسی به یکی از

کوچکترین پیروان من، به خاطر اینکه پیرو من است، حتی یک جرعه آب

سرد بدهد به هیچ وجه بی اجر نخواهد ماند» (مت ۱۰: ۴۲)

محبت ورزیدن به دیگران باعث می شود که مسیح را نیز دوست داشته باشیم و با خدمت کردن به دیگران در واقع مسیح را خدمت می کنیم. مثلاً محبت و پرستاری کردن از یک بیمار، و یا کمکی که ما به افراد درمانده و

رنج دیده می کنیم ارزش و مقام تازه ای دارد، چون یک فرد مسیحی، مسیح را در همسایه خود می یابد. او باید همسایه اش را واقعاً دوست داشته باشد و او را به عنوان یک بشر خدمت کند که البته این کار را باید با صمیمیت و فداکاری، احترام و خلوص نیت انجام دهد و فکر کند که این محبت را به عیسی مسیح فرزند خدا می کند.

زوجی که ازدواج کرده اند و در برابر یکدیگر مسؤولیت این پیمان را برای همیشه در زندگی خود به عهده گرفته اند، می توانند شاهد وجود مسیح در همسر و فرزندان خود باشند و او را خدمت کنند. نتیجه این خدمت و پیوند محبت، تقدس واقعی و نزدیک شدن به مسیح می باشد. پس زوج ازدواج کرده در زندگی خود هر روزه شاهد مسیح است و او را خدمت می کند. مسیح همواره با آنهاست و آنها را تشویق می کند و به آنها قوت قلب می بخشد.

از همین دیدگاه است که عشق مسیحی رشد می کند. هنگامی که در خانه ای با این عشق مواجه می شویم، درمی یابیم که موضوعی بسیار پرارزش است و وجود آن، آنچه را که در مورد رازها گفته ایم تأیید می کند، یعنی اینکه در رازها عیسی مسیح را ملاقات می کنیم. پس به وضوح می بینیم که ازدواج واقعاً یک راز و یک ملاقات حقیقی با مسیح می باشد. پولس رسول عشق به مسیح را این گونه خلاصه می کند:

محبت بردبار و مهربان است. در محبت حسادت و خودبینی و تکبر

نیست. محبت رفتار ناشایسته ندارد. خودخواه نیست. خشمگین نمی شود و

کینه به دل نمی گیرد. محبت از ناراستی خوشحال نمی شود ولی از راستی

از آن است که شخصیت او و تمام جنبه‌های پویایی آن را دربر می‌گیرد. گرایش جنسی امر مهمی است اما پسر باید درک کند که در ازدواج تفاهم، احساسات و افکار وجود دارد و رابطه جنسی فقط بیان عمیقی از این احساسات می‌باشد.

در دوران نامزدی مرد باید نشان دهد که به دختر احترام می‌گذارد و ارزش این را دارد که دختر به او اعتماد کند. در عوض دختر باید نشان دهد که ارزش این احترام را دارد و می‌داند که مقام ازدواج و زن بودن چیست؟ برای هر دو باید روشن شود که دوران نامزدی آمادگی برای ازدواج است و نباید به یکدیگر حق برخورداری از لذات بعد از ازدواج را بدهند. برای مسیحیان این دوران زمان دعا می‌باشد تا خداوند به آنان توانایی داده، هدایتشان نماید و آنان را به سوی یک زندگی سرشار از محبت و احترام رهبری فرماید.

روابط جنسی تحکیم محبت است و ازدواج اگر قرار باشد به هدف اصلی خود رسیده و آن را دنبال کند باید برطبق نقشه خداوند صورت پذیرد و این باید با ارزش و حرمت انسان در امر ازدواج مطابقت نماید. بطور خلاصه روابط جنسی مظهر و سمبل بخشش متقابل طرفین می‌باشد که فقط در چارچوب پیوند همیشگی ازدواج میسر است. داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج یا خارج از این چارچوب اشتباه محض است، زیرا خارج از این چارچوب زیبایی آن تیره و تار می‌گردد. اگر خودخواهی توأم با خیانت و بی‌عفتی باشد این زیبایی به کلی از بین می‌رود. آموزش سنتی مسیحیت، حافظ و نگهدار زیبایی و پاکی رابطه جنسی است.

شادمان می‌گردد. محبت در همه حال صبر می‌کند و در هر حال خوش باور و امیدوار است و هر باری را تحمل می‌کند. نبوت از بین خواهد رفت و گفتن به زبانها خاتمه خواهد یافت و بیان معرفت از میان می‌رود، اما محبت هرگز از میان نخواهد رفت (۱-قرن ۱۳: ۴-۸).

دوران نامزدی

دوران آمادگی برای ازدواج در زندگی هر زوجی بسیار مهم است، زیرا این مدت سرشار از شادی و هیجان می‌باشد، لیکن باید با دعا خواندن و تعمق نیز همراه باشد، چون تنها شروع اتحادی است که تا آخر عمر برجای خواهد ماند و بر زندگی بسیاری اثر خواهد گذاشت. رابطه جدیدی بین آنها بوجود خواهد آمد که تمام نقشه زندگی آنان را زیر و رو خواهد کرد. یک خانواده جدید بوجود خواهد آمد و وقتی فرزندان به دنیا بیایند رفاه و آسایش آنان در دستهای این دو نفر می‌باشد، ولی روی هم رفته پی‌ریزی خانواده می‌تواند با نگرانی زیاد همراه باشد چون با کمبود مسکن و افزایش قیمت‌ها و تلاش همیشگی برای پرداختن مخارج مواجه است. اما اگر سعی و کوشش مشترک باشد این حالت به صورت یک مبارزه در می‌آید که منجر به موفقیت می‌گردد و این موفقیت عامل وابستگی صمیمی تری نسبت به یکدیگر می‌باشد.

این چنین وحدت و یگانگی و اعتماد به یکدیگر از دوران نامزدی شروع می‌شود. در این ایام پسر باید نشان دهد که واقعاً به دختر احترام می‌گذارد و عشق او نسبت به دختر فقط به خاطر رابطه جنسی نیست، بلکه چیزی عمیق تر

ازدواج بین پیروان مذاهب مختلف

کلیسا ازدواج افراد کاتولیک با غیرکاتولیک را تشویق نمی‌کند. در این روش هیچ غرض شخصی بر علیه افراد غیر کاتولیک در کار نیست، بلکه تجربه ثابت کرده است که اختلافات بین مذاهب می‌تواند بر مشکلات ازدواج بیفزاید. دیدگاه ما مورد تأیید سران کلیساهای مختلف و نیز افرادی که وابسته به هیچ کلیسایی نیستند، می‌باشد.

ما همه آگاهیم که چه نوع مشکلاتی از اختلاف نظر در مورد مسائل اساسی، در زندگی زوج ازدواج کرده ممکن است پیش آید. اگر همسر شما در زندگی زناشویی نسبت به چیزهایی که به آن علاقمند هستید و توجه شما را به خود جلب می‌کند، خونسرد و بی‌اعتنا باشد، احتمال آن می‌رود که زندگی شما کسل‌کننده و یأس‌آور گردد. این مسئله قادر است ایمان و عقیده را ضعیف گرداند و نماز یکشنبه‌ها را به صورت باری سنگین درآورده و حتی علتی جهت بروز اختلاف باشد.

یکی از مهمترین وظایف کاتولیکها و امتیاز آنان انتقال دادن ایمان و عقیده خود به فرزندان می‌باشد. آنها به این وظیفه افتخار می‌کنند، اما فرزندان از تفاوتی که بین مذهب والدین خود می‌بینند و یا از اینکه یکی از والدین علاقه‌ای به هیچ یک از مذاهب ندارد، ممکن است دچار حیرت و سردرگمی گردند. این موضوع حتی می‌تواند زمانی اتفاق بیفتد که فرد غیرکاتولیک به هیچ وجه مخالف مذهب نباشد.

ازدواج کسی که صدر در صد مخالف دین و مذهب است با یک فرد کاتولیک کاملاً بی‌معنی و بیهوده می‌باشد، چون بجز فراهم کردن ناراحتی و

نارضایتی چیز دیگری در بر ندارد. لازمه زندگی زناشویی انعطاف پذیری در دادن و گرفتن است. اما این انعطاف پذیری نباید باعث تجاوز کردن به وجدان هیچ یک از طرفین، کاتولیک یا غیرکاتولیک، گردد.

با کمال تأسف ما آگاهیم که مسیحیت به شعبات متعددی تقسیم شده و با وجود اینکه همه مسیح را پیروی می‌کنند، ولی اعتقادات آنها با یکدیگر متفاوت است. همه مسیحیان از این تقسیمات ناراحت و نگرانند و شدیداً در انتظار اتحاد کامل می‌باشند. یکی از نتایج این شرایط ناخوش آیند این است که ازدواج بین افراد شعبه‌های مختلف مسیحیت باعث جدایی در خانواده‌ها می‌گردد و در زندگی فرزندان آنها نیز اثرات زیادی برجا می‌گذارد.

عیسی مسیح ازدواج را مقدس دانست و در جشن عروسی هم شرکت جست. این جشن عروسی کامل نبود زیرا شراب تمام شده بود. آیا بدون ایمان به خدا، ازدواج و شادیهای آن کامل خواهد بود.

شرایط لازم برای ازدواج، بین دو نفر از فرقه‌های مختلف

مسیحی

زمانی که یک فرد با آگاهی کامل تمام این مشکلات را به عهده می‌گیرد، آن‌گاه کلیسا اجازه ازدواج یک کاتولیک با یک غیرکاتولیک را می‌دهد. کلیسا موظف است رازهای هفتگانه را حفظ و حراست کند و همان‌گونه که به آن شخص، خیر و برکت می‌دهد او نیز موظف است احکام مذهبش را حفظ نماید. فرد مسیحی به عنوان عضوی از قوم خدا آرزو دارد در مقابل قربانگاه خداوند زانو زده عهد خود را در کلیسا که شاهدهی بر این مراسم است ببندد.

عروسی در قانای جلیل



عیسی مسیح ازدواج را مقدس دانست و در جشن عروسی هم شرکت کرد. این جشن عروسی کامل نبود، زیرا شراب تمام شده بود. آیا بدون ایمان به خدا ازدواج و شادیهای آن کامل خواهد بود؟

کلیسا قبل از اینکه اجازه ازدواج به یک فرد کاتولیک با یک غیرکاتولیک را بدهد از او می‌خواهد که در برابر اصول کلیسا تعهد بپذیرد. البته از فرد غیر کاتولیک هیچ قول و وعده‌ای گرفته نمی‌شود، لیکن این فرد باید از قول و پیمانی که فرد کاتولیک می‌دهد کاملاً آگاه باشد.

یک شخص کاتولیک متعهد می‌شود از خطری که باعث سلب ایمان و اعتقاد او می‌گردد اجتناب ورزد. او هم چنین قول می‌دهد تا حد امکان بچه‌هایش را در کلیسای کاتولیک تعمیم دهد و آنها را با دقت هرچه تمام‌تر با تعلیمات کاتولیک تربیت نماید. کاتولیکها در امر انتقال ایمان خود به فرزندان خود بسیار حساس مسئولیت می‌کنند و معتقدند که این بزرگترین هدیه‌ای است که می‌توانند به فرزندان خود ببخشند.

مراسم ازدواج یک شخص کاتولیک با غیرکاتولیک با آیین مذهبی کاتولیک برگزار می‌شود که این آیین می‌تواند با عشای ربانی مخصوص عروسی همراه باشد. البته تمام شرایط باید چند ماه قبل از ازدواج، با کشیش کلیسای محلی، مورد بحث و مذاکره قرار گیرد. ازدواج کاتولیکها طبق قانون خود هنگامی معتبر است که در حضور کشیش کاتولیک در کلیسای خود انجام گیرد. البته اسقف می‌تواند بنا به عللی در بعضی موارد استثناء خاصی درباره این قانون قائل شود.

در بعضی مواقع پیشنهاد می‌شود که فرد غیرکاتولیک آیین کاتولیک را بپذیرد تا از تمام جار و جنجالی که در این نوع ازدواجها پیش می‌آید جلوگیری شود، اما چنین پیشنهادی فاقد ارزش و توجه خاص است، زیرا در صورتی یک شخص می‌تواند به مذهب کاتولیک درآید که واقعاً معتقد به حقیقتی که در کلیسای کاتولیک وجود دارد، شده باشد و همچنین در آینده

بخواهد زندگی خود را بر مبنای اصول زندگی یک کاتولیک خوب بنا کند. به هر حال آنچه که بیشتر از همه دربارهٔ یک فرد کاتولیک مطلوب و پسندیده است این است که او باید قبل از ازدواج با تعلیمات و روش زندگی کاتولیک آشنا شود. شخص غیر کاتولیک بعضی مواقع با شناختی که از مذهب کاتولیک به دست می‌آورد خالصانه و صادقانه خواستار قبول آن است، لیکن این چنین تصمیمی فقط می‌باید از یک ایمان محکم مذهبی سرچشمه گیرد. در مراحل آموزش یک فرد غیر کاتولیک، خواه کاتولیک شود یا نه، شناخت عقیده و ایمان کاتولیک به او کمک می‌کند تا فاصله‌ای که ممکن است بین زوج در اثر ناآشنایی به مذاهب یکدیگر به وجود آید، کمتر گردد.

کشیشان و تجرد

در جهان غرب کشیشان کاتولیک ازدواج نمی‌کنند و کلیسا نیز تجرد را به عنوان عامل روحانیت و نزدیکی به خداوند تمجید می‌نماید. بعد از اینکه این همه دربارهٔ ازدواج صحبت کردیم شاید مسئله تجرد عجیب به نظر آید و حتی ممکن است بعضی فکر کنند که ازدواج اصلاً اتفاق خوبی نیست! لیکن این مطلب به طور حتم درست نیست: تجرد و باکرگی را فقط می‌توان با کمک خداوند و به خاطر دلایل بسیار مثبت به عنوان راه زندگی برگزید. کشیشان متأهل بسیاری در سایر کلیساها وجود دارند که با کمک و حمایت همسرانشان صادقانه به خداوند خدمت می‌کنند و به هیچ وجه نمی‌توان منکر این حقیقت شد. اما با وجود آنچه که گفته شد ما معتقدیم که شهادت کشیش مجرد ارجحیت ارزشهای معنوی را بیشتر نمایان می‌سازد.



«شراب عروسی تمام شده بود» (یو ۲: ۳)

عروسی نشانه ای از جشن آخرت می باشد.

یهوه صباوت در این کوه برای همه قومها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود یعنی ضیافتی از شرابه‌های کهنه از لذایذ پر مغز و از شرابه‌های کهنه مصفا (اش ۶:۲۵).

تجرد به معنی چشم پوشی از ازدواج نیست، بلکه معنای آن وقف و تخصیص زندگی یک فرد به خداوند و قوم اوست. کشیش با برگزیدن تجرد، در این جهان به دنیای جاودانی شهادت می دهد، یعنی جایی که نه زن می گیرند و نه شوهر می کنند ... (ر.ک مت ۲۲:۳۰). قلب او به جای دیگری تعلق دارد، به خداوند و ملکوتش. بنابراین ممکن نیست که آن را با انسانی دیگر تقسیم نماید. او می داند که این دعوت فقط از عده قلیلی به عمل می آید و مهم است که این عده به دعوت خداوند جواب مثبت دهند. اکثر مردم به تقدس از راه وفاداری در زندگی زناشویی دعوت شده اند و این وفاداری شهادتی به اهمیت تجرد کشیش است.

* * *

تجرد، این امکان را به کشیش می دهد که خود را به طور کامل به صورت یک محبت بی ریا اهدا کند، زیرا فقط یک هدف مدنظر اوست و آن محبت بی همتای الهی می باشد.

عملاً احساس می کنیم که خدمت به احتیاجات روحی مردم، تمام فکر و وقت انسان را به خود اختصاص می دهد. بنابراین کشیش مجرد قادر است بهتر در خدمت کلیسا باشد و قادر به انجام کاری است که برای مرد متأهل ممکن است امکان پذیر نباشد. کشیش مجرد از تشکیل خانواده چشم پوشی کرده و محبت و خدمت خود را وقف صدها خانواده ای نموده که در محل خدمتش هستند.

ازدواج یک زندگی اشتراکی است، بدین معنی که شخص همسر و خانواده خود را در وقت و اسرار زندگی و علایق خود شریک می سازد. زندگی یک کشیش دارای جنبه ای است که نمی تواند آن را با هیچکس قسمت کند. پولس رسول آن را به این صورت بیان می کند:

آرزوی من این است که شما از هر نوع نگرانی به دور باشید. مرد مجرد به امور الهی علاقمند است و می خواهد خداوند را خوشنود سازد، اما مرد متأهل به امور دنیوی علاقمند است و می خواهد همسر خود را خوشنود سازد و به این سبب او به دو جهت کشیده می شود ... (۱- قرن ۷:۳۲-۳۴)

عیسی نخواست به محبت عروس و داماد خدشه ای وارد شود. پس آب فراوانی را به شراب تبدیل کرد. این شراب نشانه ای از روح القدس است که در عهد جدید اتحاد کاملی بین انسان و خدا برقرار می کند. پس جشن